

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۹۷، اردیبهشت ۱۴۰۳

درباره مفهوم شعار "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال!"

توضیح پیام فدایی: در تاریخ یکشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ جلسه‌ای در اتاق چریکهای فدایی خلق ایران (بدرهای ماندگار) در کلاب هاوس برگزار شد و رفیق فریبرز سنجری در سخنرانی‌ای تحت عنوان "خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و درس‌های ماندگار آن" مواضع چریکهای فدایی خلق ایران در قبال این جنبش و درس‌های آن برای آینده را مطرح کرد. در بخش بعدی رفیق سخنران به پرسش‌های طرح شده توسط حاضرین درباره این جنبش و برخی دیگر از مواضع چریکهای فدایی خلق ایران پاسخ داد. آنچه در زیر می‌آید پاسخ به یکی از این سوالات در مورد مفهوم شعار "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال" در شرایط ایران می‌باشد. این سخنرانی با برخی ویرایش‌های جزئی به این وسیله در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

در طرح بحثی هم که در ابتدا دادم گفتم که ما بایم که روی این مساله صحبت کنم که معنای استقلال در شعار مورد تاکید چریکهای فدایی خلق _ که امپریالیست‌ها رو دشمن اصلی مردم ایران می‌نامند_ یعنی "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال" چیه. اون موقع به خاطر اینکه از طولانی شدن بحث جلوگیری بشه این کار را نکردم اما حالا در این فرصت که داریم به بخش جمع‌بندی این بحث می‌رسیم خوبه به این اشاره کنم چون به خصوص جلوه‌هایی از برخورد به اون شعار رو هم در این اتاق دیدیم. به خصوص که ما می‌بینیم همچون شرایط بعد از قیام بهمون که آشفتگی بزرگی در بین سازمان‌های سیاسی شکل گرفت و بیشتر نیروهای سیاسی دچار این توهم شدن که سلطه امپریالیسم با سقوط رژیم شاه از ایران بر افتاده امروز هم بیشتر نیروهای سیاسی هویت مستقلی برای جمهوری اسلامی قائل هستند. همین جا یادآوری کنم که در دوره شاه کسی در سرسپردگی رژیم شاه به امپریالیست‌ها و به خصوص به آمریکا شکی نداشت و این یک واقعیت پذیرفته شده بود که در سطح جنبش انقلابی همه به اون باور داشتند؛ درست بر عکس امروز که با توجه به تبلیغات ریاکارانه‌ای که سردمداران جمهوری اسلامی با شعارهای ضد امپریالیستی و عریده‌های ضد آمریکائی گاهی وقت‌ها اشاعه می‌دهند و تحریم‌های غرب رو هم چاشنیش می‌کنند، (نیروهای مختلف) این‌ها را نشانه‌ای از تضاد جمهوری اسلامی با امپریالیست‌ها و استقلال رژیم جا می‌زنند. در حالیکه همین خیزش ۱۴۰۱ برای کسانی که اسیر تبلیغات دروغین نمی‌شوند و یا حتی برای اون افراد و نیروهایی هم که برای سرنگونی رژیم به قدرت‌های امپریالیستی دل بسته بودند، نشون داد که امپریالیست‌ها چنان منافع عظیمی در ایران و وجود جمهوری اسلامی دارند که تا می‌توانند سعی می‌کنند این رژیم را سر پا نگهدارند؛ واقعیتی که می‌شه آن را به مثابه یکی از دستاوردهای مهم و با ارزش خیزش اخیر هم به حساب آورد. چرا که این خیزش همین واقعیت را نشان داد که آن قدرت‌هایی که شعار "زن، زندگی، آزادی" سر می‌دادند و وزرای خارجه شون گیس می‌بریدند، بیشترین کمک را به این رژیم کردند. و یا اون‌هایی که در کاخ الیزه مثلا مخالفین جمهوری اسلامی را می‌دیدند همان روزها با رئیسی هم تلفنی حرف می‌زدند. این مسائلیه که رو شد و به درک مردم ما از برخوردهای قدرت‌های بزرگ یا امپریالیست‌ها با رژیم کمک کرد.

در همین یک سال اخیر که مردم ما علیه جمهوری اسلامی بپاخاستند و خواهان نابودیش هم بودند همه شاهد بودیم که چگونه امریکائی‌ها به این رژیم اجازه دادند که روزی بیش از یک میلیون بشکه نفت صادر کند و یا میلیاردها دلار از ذخایر ارزش‌اش را برایش قابل دسترس کردند. اینها کارهایی نیست که امریکائی‌ها برای رژیمی که مخالفشونه و قصد براندازی و یا "رژیم پنج‌اش" را دارند انجام بدهند. همه فاکت‌ها نشان می‌دهند که امدادهای غیبی امپریالیست‌ها یار و حامی همیشگی جمهوری اسلامی بوده و هنوز هم هست. امریکائی‌ها و اروپائی‌ها به جز در این مورد نفتی حالا اگر بخوام یک مورد دیگه از کارهاشون را بگویم اخیرا رو شد که

این آلمانی‌ها چند هزار دروبین به جمهوری اسلامی دادند_ که یک جا خواندم ۸۰۰۰ عدد اما تعداد دقیقش رو نمی‌دانم چقدره_ این دوربین‌ها قراره به اسم کنترل ترافیک و این بهانه‌ها، زنانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند رو شناسائی و چهره آنها رو در اختیار نیروهای سرکوب قرار بدهند. باید واقعا ساده بود که همه این واقعیت‌ها را نادیده گرفت و تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیستش را باور کرد و یا در تحلیل بر این تحلیل‌ها تکیه کرد.

از طرف دیگه سیاست‌های اقتصادی داخلی جمهوری اسلامی تماما در خط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول پیش می‌ره؛ دو نهاد سرمایه‌داری انحصاری جهانی (اسم امپریالیسم را هم نمی‌برم که برخی‌ها ناراحت نشوند) و دولت آمریکا تو این نهادها حرف آخر رو می‌زنه. هر جا رهنمودهای این دو نهاد اجرا شده باعث گسترش فقر و فلاکت مردم و شورش گرسنگان شده. رهنمودهایی که به حساب پولدار شدن هر چه بیشتر یک مشت انگل و تامین منافع انحصارات امپریالیستی داده می‌شه و توده مردم را به خاک سپاه می‌نشونه تا یک عده انگل پولدار شوند. سیاست خارجی رژیم هم درست در جهت تامین همین منافع امپریالیست‌هاست که داره پیشش می‌بره. علی‌الاصول، چپ‌ها _حالا اگر این اصطلاح درست باشه_ و یا کمونیست‌ها معتقدند که سیاست خارجی باید انعکاسی از سیاست داخلی باشه. اما بررسی واقعیت‌ها روشن می‌کنه که سیاست داخلی این رژیم به دلیل وابستگی‌اش، درست ادامه سیاست خارجی امپریالیست‌هاست و فاقد هر گونه جنبه ملی‌ست. تنها نگاهی به پروژه ضد ملی اتمی این رژیم نشان می‌دهد که چگونه جمهوری اسلامی میلیاردها دلار از بودجه کشور را صرف پروژه‌ای کرده که هیچ دستاوردی برای اقتصاد کشور نداشته و برعکس باعث بحران‌هایی شده که نتیجه اصلی‌اش گسترش فقر و فلاکت مردم بوده. و به بهانه این پروژه هم امپریالیست‌ها به خصوص آمریکا کلی حضورشان را در منطقه تقویت کردن و کلی سلاح با دستاویز مقابله با خطر جمهوری اسلامی در اختیار کشورهای منطقه گذاشتند و میلیاردها دلار سود کردند در حالیکه با بخش کوچکی از آن بودجه‌ای که صرف این پروژه شد، می‌شد از طریق سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی کلی برق وارد شبکه سراسری برق کرد، که بعداً مجبور نشن به خاطر کمبود برق کل کشور را تعطیل کنند.

با بررسی همین فاکت‌هاست که باید تاکید کرد که سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه دقیقا نشان دهنده تلاش این رژیم در پیشبرد سیاست‌های امپریالیست‌هاست. برای نمونه به سیاست دخالت نظامی‌اش مثلا در سوریه نگاه کنیم. جدا از تلفات نیروی انسانی که رژیم کلا در باره‌اش سکوت می‌کنه، جمهوری اسلامی حداقل چیزی حدود ۵۰ میلیارد دلار در سوریه خرج کرده _این عددی است که خودشون در دعوای داخلی‌شون می‌گویند_ که فعلا یک دلارش هم برنگشته و صدای اعتراض عده‌ای از طرفداران خود رژیم را هم در آورده. امری که نشان می‌ده که آنچه باعث دخالت جمهوری اسلامی در سوریه شده نه کسب بازار برای بورژوازی ایران بلکه عمل به ماموریتی ست که اربابش و یا اربابانش بر عهده وی گذاشته‌اند. بر کسی پوشیده نیست که هیچ کس محض رضای خدا جنگ نمی‌کند؛ بالاخره این جنگ باید منفععی را تامین کند اما می‌بینیم که مشارکت در این جنگ برای ایران منفععی ندارد و جز نشانی از سرسپردگی جمهوری اسلامی به امپریالیست‌ها نبوده و کلا این سیاست به نفع آمریکا و بقیه امپریالیست‌ها می‌باشد. من چند روز پیش بود که یک خبری را می‌خواندم که مایلیم در اینجا بگویم. یکی از این مقامات دولت روسیه اعلام کرد که _در این فضاها مجازی دیدم_ که اگر پروژه اتمی جمهوری اسلامی نبود خیلی از صنایع اتمی روسیه تا حالا مجبور بودند بخوابند (تعطیل شوند) و از کار بیفتند و کلی به ما ضرر می‌زد ولی این پروژه همه این صنایع را زنده کرد و اون‌ها توانستند روی پاشون بایستند.

یک نکته دیگه هم بگم گاهی وقتها شنیده می‌شود که جمهوری اسلامی به پاس شرکت در این جنگ سهمی در بازار سوریه نصیبش شده و این به نفع بورژوازی ایران. اما این استدلال بی‌نهایت مضحک و غیر واقعی. چون اولاً بورژوازی ایران از تامین بازار خود کشور _یعنی بازار کشور بزرگی مثل ایران_ عاجزه چه برسد به اینکه بخواهد بازارهای کشورهای دیگه و از سوی دیگه همین سوریه که برخی فکر می‌کنند جمهوری اسلامی برای کسب بازار به آنجا رفته را تامین کنه و روش سلطه بیندازد. اتفاقاً در عمل در سوریه حتی بازاری هم در اختیار جمهوری اسلامی قرار نداده‌اند و سهم

ترکیه که اتفاقاً داره با سوریه می‌جنگه در بازار سوریه خیلی بیشتر از ایرانه. پس نباید فراموش کرد که اگر جمهوری اسلامی یک رژیم مستقل بود بطور طبیعی منافع ملی را بر هر مصلحتی که واقعا وجود داشته باشه ارجح می‌دانست و نمی‌آمد همه امکانات یک کشور را بندازه به میدان جنگی که هیچ سودی برای اون کشور نداره؛ آن هم در شرایطی که خودش امکان سیر کردن شکم مردمش را ندارد و میلیاردها دلار بودجه این کشور را صرف پیشبرد سیاست‌های اربابانش کرده.

در نتیجه وقتی ما از "استقلال" یعنی رهائی ایران از زیر سلطه امپریالیست‌ها حرف می‌زنیم به این دلیل که ما جمهوری اسلامی را رژیمی وابسته به امپریالیسم می‌شناسیم و بطور طبیعی هر انقلابی علیه این رژیم اگر رهبری کارگری و انقلابی و کمونیستی داشته باشه بدون تردید به استقلال ایران می‌انجامد. اما ما می‌دونیم که خیلی‌ها مخالف این نظر هستند و اساسا جمهوری اسلامی رو رژیمی که ما توصیف می‌کنیم، نمی‌بینند. بلکه اون را رژیمی مستقل قلمداد می‌کنند و یا مضحک‌تر از آن اینکه گاهی وقت‌ها هم اساسا اون رو یک رژیم ضد امپریالیست هم معرفی می‌کنند. البته این افراد و نیروها نیازی هم به تحقیق و ارائه فاکت و سند ندارند. چون اساس تحلیل خودشون را بر تبلیغات جمهوری اسلامی استوار کرده‌اند. یعنی تحلیل اون‌ها از همان جایی شروع می‌شه که تبلیغات جمهوری اسلامی تمام شده. اما این تبلیغات دروغ محضه. **برخی از این نیروها که جمهوری اسلامی رو رژیمی مستقل جلوه می‌دهند اون رو یک رژیم سرمایه‌داری هم می‌شناسند. اما به روی خودشون نمی‌آورند که پس این سرمایه‌داری مستقل از امپریالیسم چگونه حیات پیدا کرد و این بورژوازی ملی و ضد امپریالیست از کجا شکل گرفت و بر کدام اقتصاد ملی در ایران متکی هست؟ به هر حال در این بحث در مورد وابستگی رژیم که در یک حدی هم به سوال‌هایی که در اتاق مطرح شد ربط داره باید تاکید کنیم که جمهوری اسلامی تا بن استخوان وابسته به امپریالیست‌هاست و به همین دلیل هم یکی از اهداف انقلاب بزرگ مردم ما باید همانا قطع سلطه امپریالیسم و کسب استقلال باشه که البته بدون رهبری طبقه کارگر هم دست نیافتنی است.**

در مورد این بحثی که در این اتاق ارائه شد و جمع بندی صحبت‌هایی که شد من با اینکه خسته‌تان هم کردم زیاد صحبت نمی‌کنم ولی خیلی خلاصه در سالگرد خیزش ۱۴۰۱ ما چند تا دستاورد این خیزش رو اسم بردیم، بهشون اشاره کردیم، که یکی‌اش نقش زنان و مبارزات واقعا دلاورانه اون‌ها بود. اینکه الان هم جمهوری اسلامی شروع کرده به سرکوب شدید زنان، به این خاطر که فکر می‌کنه که خیزش را شکست داده و حالا تهاجم خودش رو شروع کرده؛ "حجاب بان" راه انداخته که این خودش واقعا حتما به اعتراضات جدید تری دامن خواهد زد.

یکی دیگه (از دستاوردهای جنبش) شکل گیری هسته‌های سیاسی نظامی است. هسته‌های مبارزاتی‌ای که در کل این خیزش شکل گرفت و در همه جا این جوان‌هایی که در این هسته‌ها بودند مراکز سرکوب رو به آتش کشیدند. کوکتل مولوتف به بخشی از فرهنگ خیزش ۱۴۰۱ تبدیل شد و همه از کوکتل مولوتف صحبت می‌کردند و اون رو به کار می‌بردند. حتی در نمونه سبزواری که من روش تاکید کردم از "رگبار کوکتل مولوتف" به یکی از مراکز بسیج اسم برده شد. بحث و تحلیل ما این بود که این هسته‌ها یکی از مهمترین دستاوردهای جنبش و خیزش ۱۴۰۱ است و باید حتما مورد توجه و تاکید نیروهای انقلابی قرار بگیره و از هر طریقی که می‌توانند به اون هسته‌ها کمک کنند و اون‌ها را تقویت کنند و اساسا به باور ما یکی از امیدهای مردم ما همین وجود این هسته‌ها و مبارزات جوان‌هاست که اگر ادامه پیدا کنه و اگر بتوانند خودشون را از زیر سرکوب‌های "سربازان گمنام امام زمان" حفظ بکنند شرایط رو برای شکل گیری سازمان‌های بزرگتر، گروه‌های بزرگتر، مهیا می‌کنند.

یک مورد دیگه هم اشاره کردم که البته من توی این بحث زیاد روش وقت نگذاشتم به آلترناتیو امپریالیستی بودن سلطنت که به نظر من برای همه روشنه. سلطنت یک آلترناتیو امپریالیستی چه از دوره رضا شاه و چه در دوره محمد رضا شاه همواره سلطنت پهلوی با سلطه امپریالیسم تنیده بوده. رضا شاه را انگلیسی‌ها روی کار آوردند شاه را هم با کودتای ۲۸ مرداد توسط انگلستان و آمریکا دوباره به قدرت برگرداندند. بنابراین این دو شاه که در سلطنت پهلوی مطرح‌اند هر دو شون نوکر و سرسپرده بودند. اگر بروید و کتاب تاریخ را بخوانید، کتاب‌هایی که در رابطه با تاریخ سلطنت رضا شاه نوشته شده، می‌بینید که رضا شاه با چه خفت و خواری بهش دستور می‌دهند که از ایران خارج بشه تا

پسرش بیاید جایش و یا محمد رضا شاه هم که یکی از رفقا در این اتاق گفت که هویزر چطوری بهش امر و نهی کرد که باید برود و او با خواری تمام می‌گفت: "کجا بروم و کی بروم؟". به هز حال این اسناد وجود داره. اما حالا البته نبلیغات راه انداخته‌اند که اصلا این کودتا نبود و کودتای ۲۸ مرداد را می‌خواهند بکنند قیام ملی و سرنگونی مصدق را هم بکنند خواست مردم! اینها مزخرفاتیه که این روزها تبلیغ می‌شه به هر حال ما راجع به سلطنت این حد صحبت کردیم که البته کافی نیست و باید سلطنت و سلطنت طلبها را حتما در ابعادی هر چه وسیع‌تر راجع بهشون حرف زد و افشاشون کرد ولی فعلا خود زندگی زده تو سرشون و اونها در این فاصله یک سال واقعا چهره‌ای از خودشون نشون دادند که دیگه کسی خیلی کمتر حتی در ایران زیر سانسور جمهوری اسلامی گرایشی به چنین شکل حکومتی از خودش نشان بدهد. این چهارچوب بحث امروز بود که امیدوارم که به هر حال کمکی بوده باشه به شناخت هر چه بیشتر خیزش ۱۴۰۱. این بحث با خودش پرسش‌هایی هم به وجود آورد که به آنها پاسخ داده شد. به هر حال شاد و تندرست باشید. به امید پیروزی مردم تحت ستم ایران و قدرت گیری کارگران و ستمدیدگان.